انترناسیونال ۶۱۰

# اصغر کریمی

**بحران و شکاف در بالا، پیشروی در پایین**

**در حاشیه صحبت اژه ای درمورد دستگیری فعالین کارگری**

محسنی اژه‌ای سخنگو و معاون اول قوه قضائیه جمهوری اسلامی روز دوشنبه ۴ خرداد در نشست خبری قوه قضاییه در پاسخ به این پرسش که آیا افزایش برخوردهای قضایی با اعتراضات کارگری در سال جاری، رویه جدید دستگاه قضایی است؟ گفت: «ما در کشور چندین هزار کارگر داریم، اگر دو نفر از آنها در گوشه‌ای از کشور بازداشت شوند دلیلی بر افزایش بازداشت‌ها نیست. معتقدیم کارگران بابصیرتی داریم که مسائل خود را از مجرای قانون دنبال می‌کنند اما هر فردی ممکن است مرتکب جرم شود». این سوال و جواب مربوط به دستگیری شاپور احسانی راد مشاور کارگران نورد و لوله صفا در ساوه و جعفر عظیم زاده است که به جرم حمایت از مبارزات کارگران این کارخانه دستگیر شده است.

در منطق جمهوری اسلامی بعنوان یک حکومت سرمایه داری، کارگرانی که علیه دستمزد ناچیز و یا عدم پرداخت همین دستمزد اعتصاب میکنند، فعالینی که خبررسانی میکنند و از مبارزات کارگران حمایت میکنند مجرمند، نه کارفرمایی که همان چندرغاز حقوق تعیین شده را نمیپردازد یا سهم بیمه کارگران را به جیب میزند. اژه ای هم بعنوان نماینده این حکومت در قوه قضائی اش در واقع میخواهد بگوید: کارفرمایانی که برای پائین نگاه داشتن دستمزدها کارخانه را تعطیل کرده و کارگران را اخراج می کنند، کارشان قانونی است اما هزاران کارگری که برای گرفتن حق خود از مهمترین ابزار خود استفاده کرده و دست به اعتصاب میزنند کارشان غیر قانونی است. چون حق اعتصاب در جمهوری اسلامی وجود ندارد و اعتصاب جرم است و اگر زورمان میرسید با همه آنها برخورد میکردیم اما حالا که هزاران کارگر اعتصابی و قانون شکن را نمیتوانیم دستگیر کنیم پس رهبرانشان را دستگیر میکنیم! البته همه جای دنیا هم که بساط حکومت های مستبد و سرکوبگر برقرار است رهبران را میگیرند تا کارگران و توده های مردم را عقب برانند. جمهوری اسلامی اما توان دستگیری رهبران اعتراضات را هم بر خلاف دهه های گذشته ندارد. حتی نفس اینکه خبرنگار ایلنا بعنوان یک سایت وابسته به حکومت درمورد دستگیری فعالین کارگری از سخنگوی قوه قضائیه سوال میکند و اژه ای مجبور به پاسخگویی میشود و در رسانه ها درج میشود پدیده تازه ای است و موقعیت جدید را بخوبی نشان میدهد.

در سالهای گذشته پابپای گسترش اعتصابات کارگری، هزاران فعال اعتصاب در سراسر کشور شکل گرفته و پا به میدان مبارزه گذاشته اند و جمهوری اسلامی علیرغم گسترش دستگیری فعالین کارگری، نه قادر است اعتصابات را کاهش بدهد و نه میتواند هزاران نفر از رهبران و فعالین اعتصابات را دستگیر کند. اما چرا اژه ای و همدستانش در قوه قضائیه کارگران دستگیر شده را علنا محاکمه نمیکنند؟ مگر نمیگویند که مرتکب جرم شده اند؟ آنها را در یک دادگاه علنی محاکمه کنند و جرائمشان را به مردم توضیح بدهند و امکان بدهند فقط پنج دقیقه از تریبون های عمومی و رادیو تلویزیون این مملکت از خود دفاع کنند. مقامات حکومت اما میدانند که چنین اقدامی خشم مردم را در سراسر کشور شعله ور خواهد ساخت. دادگاهها و زندانها و نیروهای سرکوب در اختیارشان است اما جرات اینکار را ندارند. میدانند که پنج دقیقه دفاعیه رهبران واقعی کارگری، این نمایندگان واقعی مردم، مانند جرقه ای بشکه باروت مردم را منفجر خواهد ساخت. حکومت پاسخی درمورد دستگیری کارگران معترض ندارد. این پاشنه آشیل واقعی جمهوری اسلامی است. باید برای آزادی تک تک فعالین کارگری و رهبران اعتصابات به مصاف حکومت رفت، در مقابل فرمانداری و استانداری و زندان و مجلس و همه جا جمع شد و پاسخ خواست. و بی پاسخی ارگانهای دولتی را به تعرض بیشتر برای آزادی کارگران زندانی تبدیل کرد.

دولت اعتدال! روحانی در دو سال گذشته از یکطرف تعرض به معیشت کارگران را همچنان ادامه داده و از طرف دیگر دستگیری فعالین کارگری را تشدید کرده است. آش اینقدر شور است که تعداد قابل توجهی از کارگران دستگیر شده، اعضای شوراهای اسلامی هستند. جمهوری اسلامی برای جلب سرمایه نیاز به یکدست کردن صفوف خود در مقابل کارگران دارد و حتی شوراهای اسلامی را هم که چماقداران حکومت امثال محجوب به قصد مقابله با اعتصابات و رادیکال شدن اعتراضات کارگری درست کردند، اکنون نمیتواند تحمل کند. شکاف ها و صف بندی های درون حکومت مدتی است که شوراهای اسلامی را هم با حکومت زاویه دار کرده است و از طرفی شوراهای اسلامی بدلیل فشار زیاد از جانب توده های ناراضی کارگر و حتی اعضای ناراضی خود اینجا و آنجا ناچار میشوند در کنار کارگران اعتصابی قرار گیرند و اینها همه برای دولتی که گاری اقتصادش در گل گیر کرده و جامعه را در حالت غلیان قرار داده است، مشکل ساز و در واقع خطرناک است. اما نیاز حکومت به سرکوب بیشتر، عقب راندن جنبش اعتراضی طبقه کارگر و دستگیری رهبران آن با توان حکومت برای عملی کردن این نیاز فرسنگ ها فاصله دارد. در همین دو سال گذشته جنبش کارگری و اعتراضات معلمان بطور روزافزونی گسترش یافته، اعتصابات تعمیق شده، خواست ها رادیکال تر شده، اعتصابات مکرر و طولانی ده روزه و بیست روزه و یک ماهه، تعداد بیشتری از مراکز کارگری آنهم در کارخانه ها و مراکز بزرگ را در برگرفته و حکومت توان مقابله با آنرا ندارد.

یکی از مهمترین تاثیرات اعتصابات طولانی مدت و مکرر در مراکز بزرگ، شکل گیری طیف گسترده ای از فعالین و رهبران عملی است که در این اعتصابات به وفور پا جلو گذاشته و در کنار رهبران قبلی و در جریان عمل آموزش دیده اند و استخوان بندی محکم تری در صفوف طبقه کارگر ایجاد کرده اند. این مساله اهمیت زیادی برای طبقه کارگر دارد و صفوفش را سازمان یافته تر، منجسم تر، آگاه تر، پخته تر و سیاسی تر میکند، اما از نقطه نظر منافع حکومت پدیده خطرناکی خواهد بود. حکومت اینرا بخوبی میداند اما فاقد توان لازم برای مقابله با آن است.

این اوضاع یعنی بحران عمیق حکومت و شکاف های درونی آن از یکطرف و از طرف دیگر گسترش جنبش های اعتراضی و حق طلبانه و بطور مشخص جنبش کارگری و وجود طیف وسیع فعالین و رهبران کارگری و شبکه هایی که ایجاد کرده اند، فرصت بزرگی برای پیشروی جنبش کارگری فراهم کرده است. از شکل دادن به جنبش مجمع عمومی که عالیترین نمونه هایش را کارگران نورد و لوله صفا در هفته های گذشته عملی کردند تا شکل دادن به شبکه های فعالین کارگری در مناطق و مراکز مختلف و حضور فعال خانواده های کارگری در تجمعات و اعتراضات و اجتماعی تر کردن هرچه بیشتر اعتراضات کارگری. اینها از جمله محورهایی است که جنبش کارگری و رهبران و فعالین کارگری برای پیشروی باید در دستور خود بگذارند.